

بررسی تأثیر تحصیلات زنان بر جهت‌گیری ارزشی آنان نسبت به توسعه

دکتر حسن سرایی^۱ سوسن سهامی^۲

چکیده

ارزش‌ها از ابتدا به عنوان یک مفهوم محوری در علوم اجتماعی مطرح بوده است. مطالعه‌ی ارزش‌ها برای تبیین شخصیت و نظام‌های اجتماعی بسیار مهم و تعیین‌کننده است. ارزش‌ها برای بازنگری در جامعه و فرد، دنبال کردن تغییرات در طول زمان و برای تبیین پایه‌های انگیزشی رفتار و نگرش‌ها استفاده می‌شوند. افراد و گروه‌ها در ارزش‌ها متفاوت هستند، با توجه به تغییراتی که در سال‌های اخیر در زمینه‌ی حضور زنان در عرصه‌های آموزشی در سطوح مختلف وجود آمده است سؤال اصلی تحقیق این است که آیا دستیابی زنان به تحصیلات عالی توانسته است جهت‌گیری زنان را به سمت ارزش‌های توسعه‌سوق دهد.

دیدگاه‌های نوین از کارل مارکس تا دانیل بل استدلال می‌کنند که توسعه اقتصادی، تغییرات فرهنگی را ایجاد می‌کند، اما دیگران از وبر تا هانتینگتون ادعا می‌کنند که ارزش‌های فرهنگی بر جامعه تأثیر می‌گذارند. در این تحقیق تأثیر تحصیلات بر ارزش‌های توسعه‌مدار زنان مورد بررسی قرار گرفته است و برای سنجش ارزش‌های توسعه‌مدار با یک رویکرد فرهنگی دیدگاه‌های جامعه‌شناسی را در زمینه تغییرات و توسعه و دیدگاه‌های روان-شناسی اجتماعی در زمینه ارزش‌ها را بررسی کرده و براساس مبانی نظری خوشه‌های ارزش‌ها را بدست آورده ایم. سپس با ساخت پرسشنامه‌ی اولیه و انجام مطالعه مقدماتی و تحلیل عاملی خوشه‌ای از ارزش‌ها را که بر روی یک عامل قرار گرفته اند را انتخاب کرده ایم که عبارتند از: جهانی‌گرایی، عام‌گرایی، اعتماد، علم‌گرایی، عقلانیت و رضایت از زندگی است. جامعه نمونه ۵۳۴ زن ۱۵-۴۵ ساله شهر شیراز هستند، روش تحقیق پیمایشی، با استفاده از پرسشنامه بود. پرسشنامه دارای روایی صوری است. و برای پایایی از آلفای کرونباخ استفاده کرده ایم.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تحصیلات عالی گرایش به ارزش‌های علم‌گرایی و جهانی‌گرایی را افزایش می‌دهد. و میانگین عام‌گرایی در زنان با تحصیلات عالی بیش از دیگر زنان بوده اما این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار نبوده است. عقلانیت نیز در زنان با تحصیلات عالی بیش از دیگر زنان بوده، اما این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار نبوده است. به عبارتی با توجه به ادبیات تحقیق و نظریه‌ها در زمینه ارزش و توسعه، آموزش به عنوان یک عامل اساسی در خلق ارزش‌های مدرن و توسعه‌یافته مطرح است. یافته‌های تحقیق نیز در همین راستا نشان می‌دهد که آموزش عالی به عنوان یک متغیر مستقل توانسته نوعی قابلیت و تحرک ذهنی در قالب جهت‌گیری ارزشی زنان به سمت توسعه ایجاد کند.

واژگان کلیدی: ارزش اجتماعی، تحصیلات، توسعه، جهانی‌گرایی، عام‌گرایی، علم‌گرایی و عقلانیت

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۱/۳۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۱۱/۲۰

۱- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران

۲- دانش‌آموخته دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران (نویسنده مسئول) ssahami@miau.ac.ir

مقدمه و طرح مساله

ارزش و توسعه از مفاهیم کلیدی در علوم اجتماعی است بحث درباره‌ی ارزش‌ها و محوریت آنها در نظام اجتماعی و فرهنگی جوامع همواره مورد توجه پژوهشگران علوم انسانی - اجتماعی است و هر یک در پرتو چارچوب نظری خاص به طرح ابعاد مفهومی و نظری آن پرداخته‌اند. «در روان‌شناسی به کرات از لغت ارزش برای اشاره به وجهی از جهت‌یابی برگزیده و ویژه که افراد را با سطح امیال، انگیزه، نیازها و نگرش‌ها مرتبط می‌کند استفاده می‌شود و زمانی که جامعه‌شناسی از هنجارها، آداب رسوم، راه و روش (رفتار) ایدئولوژی تعهدات و شبیه به آن صحبت می‌کند، ارزش را به عنوان یک مفهوم اجتماعی بکار می‌برند که ریشه در رفتار افراد دارد.» (Vanpeth & Scarbrough, 1995, pp22-24).

«اصولاً انسان بیش از هر چیزی یک موجود ارزشی است و اگر این ویژگی را از او بگیریم دیگر تفاوتی با حیوان ندارد» (Dahlk, 1985, p6). ارزش‌ها از نگاه آنها ممکن است به علائق، لذا اید، عشق‌ها، امیال، وظائف، تعهدات اخلاقی، استانداردها، خواسته‌ها، نیازها و آرزوها اشاره کند» (Vanpeth & Scabrough, 1995, pp24-25). «مک لوگین [۱] ارزش را به عنوان امیال، انگیزه‌ها، مفهوم و روابط موقعیتی در نظر می‌گیرد. سچول و اسچف [۲] پیشنهاد می‌کنند که انگیزه و هنجار به طور نزدیکی با مفهوم ارزش مرتبط است هنجارهای یک جامعه نهایتاً تجلی ارزش‌های آن جامعه است. دیگر پژوهشگران تفاسیر خلاصه‌ای از ارزش‌ها ارائه می‌دهند مطابق با آن برای مثال دروف و دوستا [۳] عنوان می‌کنند که ارزش یک وضعیت کلی از زندگی است که احساسات فرد تأثیر مهمی روی خوب بودن زندگی‌اش داشته» (Ibid, 24).

در یک جمع بندی می‌توان گفت، به نظر جامعه‌شناسان، ارزش‌ها باورهای ریشه‌داری‌اند که عمدتاً در قالب هنجارها، سمت و سوی عمل کنشگران اجتماعی جامعه را تعیین می‌کنند. توجه به این عنصر در امر تحول و تغییرات اجتماعی را می‌توان بعضاً به عنوان امر مقدم تغییر و تحول اجتماعی یا به صورت نتیجه تغییر و تحول اجتماعی می‌توان در دیدگاه‌های اندیشمندان کلاسیک و مدرن مشاهده کرد به علاوه عدم توفیق برنامه‌ریزی‌های اقتصادی در زمینه توسعه در کشورهای در حال توسعه سبب تقویت این ایده می‌شود که "فرهنگ در هر جامعه همراه با ارزش‌ها و ایده‌آل‌های اجتماعی اساس و بنیان توسعه را تشکیل می‌دهد و توسعه به معنای کامل آن نه تنها شامل بالا بردن سطح زندگی، اقتصادی و نجات از فقر و درماندگی و بی‌سوادی است، بلکه افزون

بررسی تاثیر تحصيلات زنان بر جهت گیری ارزشی آنان نسبت به توسعه.....۷

بر آن، در بر گیرنده‌ی نهادها و بنیان‌های فکری روابط اجتماعی، گروهی و طبقاتی است
" (توسلی، ۱۳۷۳، ص ۲۶).

«کلیه مطالعاتی که تاکنون توسط یونسکو یا سازمان‌های بین‌المللی دیگر درباره‌ی فرهنگ، جامعه و اقتصاد برای ساختن یک دنیای نو (توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه) صورت گرفته متفقا نظر داده‌اند که فرهنگ بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایند اقتصادی و اجتماعی توسعه در این کشورها است» (توسلی، ۱۳۷۳، ص ۲۶). بنا بر این صحبت در زمینه ارزش‌های فرهنگی به عنوان یک عامل مهم در خیزش جوامع به سمت توسعه، بالا می‌گیرد. نتایج بسیاری از تحقیقات در زمینه ارزش‌ها و توسعه نشان می‌دهد که با تحول در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جامعه ارزش‌ها نیز دگرگون می‌شوند (Inglhart, 2000; Schwartz and Sagie, 2000; Hofsted, 1997).

«ایران تا پایان قرن نوزدهم میلادی، کشور خاص قرون وسطایی در شرق بوده است. حاکمیت نظام ارباب و رعیتی در روستاها و شهرها به رغم تماس‌های نزدیک نظامی و اقتصادی ایران با کشورهای سرمایه‌داری بر تمامی ساختارها اعم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأثیر گذاشته است» (توحیدفام، ۱۳۸۲، ص ۵۹). و مهم‌ترین نظریه که از لحاظ بافت اجتماعی و طبقاتی که برای بررسی جامعه‌ی ایران می‌توان از آن استفاده کرد، نظام شیوه‌ی تولید آسیایی است که توسط مارکس عنوان شده است و در مقابل آن ویتفولگ و تمدن (آب-پایه) و کشت استبدادی را مطرح کرد که در نظام تولید آسیایی دولت مالک زمین و کشاورزان دسته‌جمعی استثمار می‌شوند الگوهای طبقه به گونه‌ای است که رهبران آن صاحبان قدرت دولت مستبد هستند نه مالکان خصوصی و تجار. بدین ترتیب بحث درباره‌ی سرشت ایرانیان، حول تقابل نظام ارباب و رعیتی، متمرکز بوده. آب کم و خشکی بیشتر زمین‌ها در تعیین ویژگی‌های دولت و جامعه‌ی تشکیل شده و بالطبع خصوصیت ایرانیان در این سرزمین نقش مهمی داشته است (کاتوزیان، ۱۳۸۰، صص ۲۱-۳۷). از سویی عملکرد نهاد حکومت در ایران همواره در جهت منافع عده‌ی خاصی بوده است، از این رو در خارج از دستگاه حکومت، شاهد هیچ نهاد اجتماعی خاصی نبوده‌ایم (آبراهامیان، ۱۳۷۷، ص ۲۴۲). تا اینکه اندیشه‌های توسعه در شکل مدرن توسط مدرنیزاسیون پهلوی وارد شد و سپس با یک بازاندیشی مذهبی در شیوه‌ی جدید در انقلاب اسلامی رنگ و بوی مذهبی به خود گرفت. با ورود تمدن غربی به ایران و جهت‌گیری قدرت سیاسی به سوی مدرن‌سازی کشور، مدرنیزاسیون بافت

یک دست مخاطبان گفتمان سنتی را متلاشی کرده و گروه‌ها و طبقات جدیدی در کشور ایجاد کرد» (نیکخواه، ۱۳۸۴، ص ۲۲).

«یکی از گروه‌هایی که در روند این اصلاحات و توسعه پایگاه‌های سنتی‌شان دچار تردید و اضمحلال اساسی و با تحولات عمیق روبه‌رو شده است، زنان بوده‌اند. اما با وقوع انقلاب اسلامی وضعیت زنان در جامعه با یک ماهیت سنتزی و نقادی مورد توجه قرار گرفت، به طوری که با نقد جایگاه زنان آن گونه که در گفتمان سنتی مطرح بود از یک سو و حضور زنان به نوعی که در مدرنیزاسیون تبلیغ و تشویق می‌شد از سوی دیگر مورد انتقاد قرار گرفت و رویکردی جدید بر اساس موازین اسلام تدوین گردید که به سنتزی جدید در حوزه فعالیت، نقش‌ها و پایگاه اجتماعی زنان در جامعه اسلامی انجامید، که این دیدگاه به سرعت گسترش یافته با استقبال زنان نیز مواجه شد (نیکخواه، ۱۳۸۴، ص ۲۲). بنا بر این «رهبر فقید انقلاب امام خمینی کبیر و همراهانش بر بسیج سیاسی زنان اصرار می‌ورزیدند، تحصیل دختران را تشویق می‌کردند، و از فعالیت‌های زنان در طول جنگ ایران و عراق حمایت می‌نمودند» (کدی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۰). «با رشد سریع و مداوم تحصیلات زنان، شهرنشینی و گسترش مدارس در روستاها و در دسترس بودن مدارس ابتدایی، حضور دختران در مدارس آسان‌تر شده و تقریباً هر روستا یک مدرسه دارد میزان زنان باسواد از ۳۶ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۷۲ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است. افزون بر این درصد پذیرفته‌شدگان دختر در دانشگاه‌ها در سال ۸۲ به حدود ۶۶ درصد رسیده و در زمینه انتخابات شورای شهر و روستا در سال ۷۷ در هر شهر دست کم یک زن انتخاب شده است» (کدی، ۱۳۸۳، ص ۹۱).

بدین ترتیب ایران نیز از جمله کشورهای است که در جریان مدرنیزاسیون همراه با جریان‌های نوسازی و پس از آن در انقلاب اسلامی با ادامه این روند در سنتزی جدید تغییرات چشمگیری را تجربه کرده است. یکی از این تغییرات عمده گسترش حضور زنان در دانشگاه‌ها است. افزایش مشارکت زنان در سطوح مختلف تحصیلی و روند تغییر سهم آنان در آموزش عالی از یک سو و اهمیت ارزش‌ها و تحول آن از سوی دیگر سوال اصلی این مقاله را شکل می‌دهد؛ بدین ترتیب که اگر طی دهه‌های اخیر امکان تحصیلات عالی نسبت به گذشته برای زنان فراهم آمده است. آیا تحصیلات بر جهت‌گیری ارزشی زنان نسبت به توسعه تاثیر گذاشته است؟

چارچوب نظری

بررسی جهت گیری ارزشی معطوف به توسعه موضوع و محور اصلی مقاله حاضر است. برای تعیین این مسأله به لحاظ نظری با رویکردی فرهنگی و ارزشی دیدگاه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی را در زمینه‌ی ارزش، تغییرات اجتماعی و توسعه بررسی می‌کنیم و خوشه‌هایی از ارزش‌ها، معطوف به توسعه را از آنها استخراج کرده و سپس به بررسی این ارزش‌ها و روابط آنها با متغیر تحصیلات می‌پردازیم.

کلاسیک‌ها مانند دورکیم و وبر به بحث ارزش و فرهنگ اهمیت ویژه داده‌اند و بخصوص بحث وبر در کتاب اخلاق پروتستانی سبب می‌شود که فرهنگ در مباحث علوم اجتماعی از موقعیت روینای خود تغییر مکان داده و به مباحث زیربنای توسعه تبدیل شود. کنت، در بحث تغییرات اجتماعی سه مرحله تاریخی (مرحله ربانی، مابعدالطبیعی و اثباتی) را برای جوامع در نظر می‌گیرد. و معتقد است که تکامل ذهنی و فکری نقشی محوری و تعیین‌کننده در پیشرفت بشر داشته به عبارتی در مرحله اثباتی جوامع از ریشه‌های خرافات و مابعدالطبیعه گسسته می‌شوند و استدلال‌های عقلی، ارزش و جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند؛ بنابراین در بیش کنت یکی از تحولات فکری در جامعه مدرن و توسعه یافته بایستی علم‌گرایی باشد و توجه به مشاهده و آزمایشی به جای اعتقاد به قدرت‌های فراطبیعی است (له‌سای، ۱۳۸۰؛ ریتزر، ۱۳۷۷؛ کوزر، ۱۳۸۶).

دورکیم نیز در تفکیک، «جامعه سنتی» از «جامعه مدرن» به همبستگی و تشکل بین افراد اشاره می‌کند، و معتقد است این تشکل اجتماعی و نحوه زندگی به نوبه خود بر چگونگی تفکر، اعتقادات و ارزش‌های آنان تاثیر می‌گذارد.

«مردم یک جامعه سنتی، وظایف محدودی از کارهای ساده کشاورزی آن جامعه را بر اساس گروه‌های فامیلی و قبیله‌ای در دهکده‌های خود انجام می‌دهند.. دورکیم این نوع تشکل را «انسجام مکانیکی» [۴] می‌نامد به این معنی که گروه‌های مجزا خیلی شبیه یکدیگر هستند و از یک الگوی انعطاف‌پذیر هنجارها و عقاید سنتی پیروی می‌کنند. اما جامعه نوین بسیار پیچیده‌تر و منسجم‌تر و از نوعی همبستگی برخوردار است که دورکیم آن را «انسجام اندامواره» می‌نامد. هر بخش همانند یک ارگانسم طبیعی در کارکرد خود تخصصی عمل می‌کند و نظام نوین، الگوهای جدیدی از اخلاق و هنجارهای اجتماعی به وجود می‌آورد» (وبستر، ۱۳۸۱، ص ۴۲).

«وبر [۵] جامعه‌شناس آلمانی با تبیین ریشه‌های ظهور سرمایه‌داری و عوامل مؤثر و تشکیل‌دهنده نظام سرمایه‌داری در مغرب زمین چگونگی توسعه‌یافتگی و صنعتی شدن جوامع غربی را تبیین کرده در این تبیین عناصری چون عقلانیت و اقتدار را نیز مورد بحث قرار داده و بر مبنای این عناصر مراحلی چون جماعت و جامعه را از یکدیگر تفکیک کرده است» (وبر، ۱۳۸۱، ص ۱۰۷). وبر در مقاله خود تحت عنوان «اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری» رابطه فرهنگ، ارزش‌ها و دگرگونی اجتماعی را مورد بررسی قرار داده است، بی‌تردید روح پروتستانی وبر مسایلی را مطرح ساخت که درست در چارچوب مطالعات معاصر درباره‌ی توسعه جای می‌گرفتند، رابطه سرمایه‌داری و عقلانیت که محور مقاله وبر است با مختصری دست‌کاری در تفسیرهای توسعه‌نمودار شدند» (گن و ذیر، ۱۳۸۳، ص ۲۲۸-۲۳۰). و بالاخره رویکرد نوسازی که برخاسته از دیدگاه‌های تطوری و کلاسیک جامعه‌شناسی است و ریشه‌آغازین آن را باید در اندیشه‌های جامعه‌شناسی کلاسیک جستجو کرد به جزئیات بیشتر در زمینه فرهنگ و توسعه پرداخته است. «پیتروسللی اظهار می‌دارد که "نوسازی" به تمام تغییراتی که از جنبه‌های اجتماعی و سیاسی، امر صنعتی شدن را در بسیاری از ممالک دارای تمدن غربی همراهی کرده‌اند، اشاره دارد، از جمله: شهرنشینی، تغییرات ساختاری اشتغال، جابه‌جایی اجتماعی، توسعه، آموزش و پرورش و هم‌چنین تغییرات سیاسی به صورت کنار گذاشتن نهادهای مطلق‌گرا و استبدادی و روی کار آمدن حکومت‌های مسؤول و انتخابی و نیز عوض شدن نظام مطلق‌العنان بخش خصوصی و جایگزینی آن با یک دولت رفاه متجدد» (ورسللی، ۱۳۷۳، ص ۲۰۰). «یکی دیگر از نظریه‌های که اصالتاً شباهت بیشتری به الگوی نوسازی دارد، نظریه بسیج اجتماعی است، کارل دوپیچ این عنوان را در ابتدا به کار برده است. «بسیج اجتماعی به نحوی که کارل دوپیچ به کار گرفته عبارت است از روندی که در آن مجموعه‌های تعهدات اقتصادی و روانی کهنه ریشه‌کن و یا در هم شکسته شده باشد و مردم آمادگی پذیرفتن الگوهای جدید رفتاری و اجتماعی را پیدا کنند. میزان موفقیت بسیج اجتماعی در سطح کل جامعه بستگی به درصد جمعیتی که در معرض جلوه‌های نوگرایی قرار دارد» (سیف زاده، ۱۳۷۵، ص ۱۱۴). آن‌ها عناصر محیطی را در قالب متغیرهایی چون شهری شدن، تعلیم و تربیت، ارتباط توده‌ای، صنعتی شدن، سیاسی شدن، کار در کارخانه و غیره می‌بینند و معیارهای درونی به ویژگی‌ها و معیارهای زیر توجه دارند:

بررسی تاثیر تحصيلات زنان بر جهت گیری ارزشی آنان نسبت به توسعه..... ۱۱

- آمادگی انسان برای قبول و پذیرش تجربیات تازه و استعداد او برای ابداع و تغییر - معطوف بودن ذهن او به حال و آینده تا به گذشته و برخوردار بودن از وقت شناسی و نظم و انضباط - تمایل داشتن به برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی امور - قابل محاسبه دانستن جهان - اعتقاد به علم و تکنولوژی - احترام به برابری و رعایت حقوق دیگران.....» (وینر، ۱۳۵۴، ص ۱۱۹).

«هریسون به منظور تبیین بعد فرهنگی توسعه اقتصادی دو نوع فرهنگ ایستا و پویا را مشخص می‌کند. و ده ارزش نگرش یا مجموعه ذهنی را ارایه می‌کند. ۱- جهت گیری زمانی، فرهنگ‌های پیشرفته بر آینده و فرهنگ‌های ایستا بر حال یا گذشته تأثیر دارد.

۲- کار: کار در فرهنگ‌های پیشرفته محوری برای زندگی و در فرهنگ‌های ایستا کار امری

اجباری و تحمیلی

۳- قناعت: قناعت در فرهنگ‌های پیشرفته مادر سرمایه‌گذاری در جامعه ایستا تهدیدی برای

مساوات طلبی جامعه

۴- آموزش: فرهنگ پویا کلید توسعه و فرهنگ ایستا تنها در بین نخبگان اهمیت دارد

۵- در فرهنگ پویا شایستگی اما در فرهنگ ایستا خانواده و رابطه‌مندی مهم است

۶- در فرهنگ پویا شعاع‌شناسی و اعتماد در حد گسترده و فراتر از خانواده اما در فرهنگ ایستا

خانواده اجتماع را احاطه می‌کند

۷- کد اخلاقی در فرهنگ ایستا دقیق‌تر و سخت‌گیرتر

۸- فرهنگ پویا انتظارات غیرشخصی جهان‌شمول اما در فرهنگ‌های ایستا عدالت بسته به افراد

مورد شناخت و وجه قابل پرداخت (رشوه) است

۹- در جامعه با فرهنگ پویا اقتدار پراکنده و به صورت افقی اما در فرهنگ ایستا متمرکز و

عمودی (از بالا) است

۱۰- سکولاریزم: فرهنگ پویا تأثیر مذهب بر زندگی مدنی کم است و در فرهنگ ایستا

تأثیراتش اساسی است

در فرهنگ پویا دگراندیشی و در فرهنگ ایستا سنت‌اندیشی و پیروی کردن تبلیغ می‌شود»

(هریسون، ۱۳۶۴).

«مور معتقد است که فرایند توسعه صرفاً رشد اقتصادی نیست وی در مورد ارتباط ارزش‌ها و توسعه اقتصادی استدلال می‌کند که "ارزش‌ها" با معیارهای خاص، قوانین سازمانی و اجرای زمینه عقلانی را فراهم می‌کنند. او پیدایش و رشد دموکراسی را کشاکشی طولانی و ناتمام برای دستیابی سه هدف می‌داند ۱- محدود کردن قدرت حکام خودکامه ۲- نهاد قوانین و مقررات عقلایی و عادلانه به جای مقررات خودسرانه ۳- سهیم شدن طبقات پایین جامعه در تصمیم‌گیری‌ها» (مور، ۱۳۶۹، ص ۲۲-۲۳). بالاخره پارسونز برای جوامع سنتی و نوگرا، مفهوم «متغیرهای الگویی» [۶] را مطرح می‌کند. «متغیرهای الگویی، روابط اجتماعی مهمی هستند که در بستر نظام فرهنگی، یعنی متعالی‌ترین و مهم‌ترین سیستم در چارچوب نظری پارسونز، قرار داشته از خصوصیت دوام و تکرارپذیری برخوردارند» (سو، ۱۳۸۰، ص ۳۴). منظور او از متغیر انتخاب یک شق از دو شقی است که عامل پیش از آن که بخواهد به عمل دست بزند یکی از آن را انتخاب می‌کند، متغیرهای الگویی عبارتند از:

- ۱- عاطفی بودن در برابر خنثی بودن از لحاظ عاطفی
 - ۲- جهت‌گیری در برابر جهت‌گیری به سوی خود
 - ۳- عام‌گیری در برابر خاص‌گیری
 - ۴- کیفیت ذاتی بودن در برابر جنبه عملی
 - ۵- ویژه بودن در برابر پراکنده بودن» (ریترز، ۱۳۷۷، ص ۱۳۱).
- گیدنز، تفاوت‌های فرهنگ مدرن و پیش از مدرن را بر اساس محیط‌های اعتماد تقسیم‌بندی می‌کند و به اعتقاد او چهار زمینه‌ی محلی اعتماد بر فرهنگ‌های پیش از مدرن تسلط دارند:

- ۱- نظام خویشاوندی
- ۲- اجتماع محلی به عنوان مکان سازنده یک محیط آشنا
- ۳- کیهان‌شناسی مذهبی
- ۴- سنت (گیدنز، ۱۳۷۷، صص ۱۲۰-۱۲۱).

محیط‌های اعتماد در فرهنگ‌های مدرن نظام‌های انتزاعی است که وسیله تثبیت روابط هستند. و اولویت‌های مکان در محیط‌های پیش از مدرن از بین رفته است و هرگونه امنیت مبتنی بر روابط از جا کنده شده است تا ویژگی‌های محلی» (همان، صص ۱۲۹-۱۳۰). «انگلهارت در اثر خود

تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته به بررسی تعامل بین عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی می‌پردازد و با بهره‌گیری از داده‌های پیمایشی نوسان‌سنج اروپا، پیمایش جهانی ارزش‌ها و مطالعات سه گروه پژوهشی در اروپا تجزیه و تحلیل‌های خود را ارائه می‌دهد. اینگلههارت درصد یک بازاندیشی در مباحث توسعه و ارزش‌ها است برخلاف تئوری نوسازی که عمدتاً بر عوامل درونی توسعه و ارزش‌های معطوف به آن می‌نگرند اینگلههارت به دنبال بررسی این مساله است که نوسازی اقتصادی و سیاسی اجتماعی چه تغییراتی را بر جهت‌گیری ارزش می‌گذارد. به عبارتی او با نقد تئوری نوسازی بین دیدگاه مارکس در زمینه توسعه و دیدگاه نوسازی تلفیق ایجاد می‌کند. او معتقد است سطح توسعه اقتصادی یک کشور مستقیماً در ارتباط با مجموعه‌ای از ویژگی‌های که آنها را «فرهنگ مدنی» می‌نامد است نشانگان این فرهنگ با سه شاخص ۱- اعتماد به یکدیگر ۲- رضایت از زندگی ۳- و عدم حمایت از دگرگونی انقلاب...» (اینگلههارت، ۱۳۷۳، ص ۳۳).

شوارتز، با توجه به نظریه راکیچ درباره‌ی ارزش‌ها، به طرح نظریه‌ی خویش در این باره پرداخته و مقیاسی برای اندازه‌گیری ارزش‌ها تهیه نموده است. بر اساس نظریه وی، ارزش‌ها، اهداف فراموقیعتی هستند که به منزله اصول راهنما در خدمت زندگی فرد یا گروه قرار داشته و اهمیت متفاوتی دارند. بعد انگیزشی ارزش‌ها عبارتند از: خیرخواهی، سنت، همنوایی، امنیت، قدرت، موفقیت، برانگیختگی، لذت‌طلبی، خوداتکایی و جهان‌گرایی که با توجه به تحقیقات انجام در تمام فرهنگ‌ها وجود داشته و نسبتاً دارای معانی یکسانی است. ابعاد ارزشی در مجموع، محور دو قطبی را تشکیل می‌دهند: نخست، آمادگی برای تغییر در برابر محافظه‌کاری و دوم، توجه به ماورای خود در برابر تقویت خود. به عبارت دیگر بعد آمادگی برای تغییر شامل انواع ارزشی خوداتکایی، برانگیختگی و لذت‌گرایی است. ارزش‌های قدرت‌گرایی، موفقیت و لذت‌طلبی، نمایانگر بعد تقویت خود است و ارزش‌های سنت‌گرایی - همنوایی و امنیت، بیانگر بعد محافظه‌کاری است و در نهایت جهان‌گرایی و خیرخواهی، بعد خود تعالی‌بخشی یا توجه به ماورای خود را نمایان می‌سازد (Schwartz, 2006). بنابراین نظریه‌ها و تحقیقات جدید پیرامون تحول ارزش‌ها و تفاوت جوامع توسعه یافته و دیگر جوامع از نظر ابعاد

جهانی ارزش از جمله اینگلههارت و شوارتز خون تازه‌ی را در شریان مطالعات فرهنگی و ارزش‌های معطوف به توسعه جریان داده است. در این بخش با مطرح کردن دیدگاه‌ها و براساس مطالعات انجام شده به مجموعه‌های از ارزش‌ها دست یافتیم که براساس آن‌ها نشانگان ارزشی یک جامعه روبه رشد را مشخص کرده ایم.

ادبیات تحقیق

«آزادارمکی و غیاثوند در تحقیقی با عنوان «جامعه‌شناسی تغییرات فرهنگی در ایران» به بررسی تغییر و تحولات ساختار نظام ارزشی ایرانیان پرداخته‌اند. در بخشی از تحقیق، خصوصیات زن مدرن مطابق تحلیل عاملی صورت گرفته عبارتند از، استقلال رأی، کار کردن بیرون از خانه و داشتن تحصیلات.

عوامل مؤثر بر توجه به معیارهای زن مدرن عبارتند از: جنس (زنان بیشتر از مردان به ویژگی یک زن مدرن اهمیت می‌دهند)، وضعیت تأهل (افراد مجرد نسبت به متأهلان اهمیت بیشتری برای ویژگی مدرن یک زن قایل‌اند)، گروه سنی (گروه سنی ۱۵-۲۴ سال اهمیت بیشتری برای ویژگی زن مدرن قایل بوده است)، تحصیلات (افراد تحصیل کرده در مقایسه با بی‌سوادان توجه و اهمیت بیشتری به خصوصیات مدرن زن دارند) و درآمد (افراد با درآمد بالا اهمیت بیشتری برای زن مدرن قایل هستند) (آزادارمکی، ۱۳۸۳).

سهامی در تحقیقی با عنوان بررسی ارزش‌های فرهنگی جوانان در مقایسه با بزرگسالان در شهر شیراز با یک نمونه ۶۰۰ نفری از جوانان و بزرگسالان شهر شیراز انجام داده است. با استفاده از نظریه هافستد به بررسی و مقایسه ای ارزش‌های جوانان با بزرگسالان پرداخت یافته‌ها نشان می‌دهد بین ارزش‌های مذهبی و خانواده‌گرایی دو گروه جوانان با بزرگسالان تفاوت معنی‌داری وجود دارد اما در ارزش‌های فرد‌گرایی و جمع‌گرایی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. از متغیرهای تبیین‌کننده ارزش‌ها سن، جنس، تحصیلات و وضعیت تأهل است (سهامی، ۱۳۸۱).

«محسنی در تحقیقی با عنوان «بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران» با نمونه ۳۵۴۰ نفر به مطالعه ابعاد مختلف فرهنگ پرداخته است نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ارزش مادی‌گرایانه، واقع‌گرایانه و غیراجتماعی در نسل ۱۶-۲۴ ساله ایران در معرض

رشد زیادی است. اندیشه‌های جبرگرایانه در بی‌سوادان، کم‌درآمدها، سالمندان و تا حدودی جوانان و زنان دارای قدرت قابل توجهی است. مقطع تحصیلی دیپلم متوسط و پس از آن دانشگاه از تعیین‌کننده‌ترین مقاطع در دگرگونی ارزش هاست. بررسی نشان می‌دهد که نگرش‌های فرهنگی برخلاف تصورات دو عامل جنس و سن به مراتب کمتر از درآمد و سواد تعیین‌کننده است. سن تنها در گروه‌بندی‌های خیلی گسترده مثلا در مقایسه جوان و سالخوردگان اهمیت پیدا می‌کند» (محسنی، ۱۳۷۹).

«هافستد با تراندیس [۷] در خلال مطالعات خود دریافتند که فرهنگ‌ها در جهت فردگرایی/ جمع‌گرایی تغییر می‌کنند. در فرهنگ‌های جمعی، گروه واحد تمرکز است و فرد به عنوان نماینده گروه دیده می‌شود. مرزهای گروهی به روشنی مشخص است عضویت در گروه اغلب یک تعهد است. در فرهنگ‌های فردگرا، استقلال فردی بیش از روابط متقابل مورد توجه بوده و گروه‌ها محصولات فردی‌اند. عضویت گروهی سیال‌تر منطقی‌تر است و افراد به فراوانی درون و بیرون گروه‌ها حرکت می‌کنند» (Spears & Others, 1997).

«تراندیس با مطالعه متنوع بر روی موضوع فرهنگ در کشورهای مختلف نشان داده در ارزش‌های فردگرایی و جمع‌گرایی، کشورهای مختلف متفاوت هستند. جنوب ایتالیا را بن فایلد [۸]، یونان سنتی را تراندیس و واسیلیوس استوار در سال ۱۹۶۶ مورد مطالعه قرار دادند و به این نتیجه دست یافتند که این کشورها به ارزش‌های فردگرایی میل داشته‌اند» (Trandis, 1998).

دونالد اینگلهارت با طرح و گسترش نظریه تحول فرهنگی اینگلهارت بر اساس چهار موج بررسی ارزش‌های جهانی که شامل بیش از ۸۵ جامعه در سطح کل جهان باشد، تدوین و طرح شده است. در چند دهه گذشته تغییرات اقتصادی، تکنولوژی و اجتماعی و سیاسی، فرهنگ‌های جوامع پیشرفته صنعتی را از جنبه‌های بسیار مهم دگرگون ساخته است. اعتقادات مذهبی، نگرش مردم درباره طلاق، ازدواج، سقط جنین، همجنس‌بازی و اهمیتی که به داشتن بچه و تشکیل خانواده می‌دهند همه و همه دگرگون شده است. بر اساس این مطالعه مردم بیشتر بر کیفیت زندگی، محافظت از محیط و (ارزشهای پست مدرن) تأکید می‌کنند (Inglehart 2000, p20).

«شوارتز [۹] در تحقیقی با عنوان «ابعاد جهانی ارزش در ساختار و محتوای ارزش‌های بشری کدامند؟» با تکیه بر تئوری‌های ابعاد ارزشی، پژوهش‌های خرده فرهنگی و غیره با مطالعه بر روی

۹۷ نمونه از ۴۴۰ کشور به بررسی ابعاد ارزشی پرداخته است. شوارتز ۱۰ نمونه ارزش را تعریف و به بررسی آن‌ها می‌پردازد که این ارزش‌ها عبارتند از ۱- قدرت ۲- دستاوردها ۳- جهان‌گرایی ۴- هم‌نوایی ۵- سنتی ۶- لذت‌گرایی ۷- تحریک‌کننده ۸- خیرخواهانه ۹- خود رهبری ۱۰- امنیتی. «بر اساس یافته‌ها، جنبه‌های اساسی‌تر تئوری ساختاری تنظیم چهار نوع ارزش منظم‌تر به صورت دو بعد عبارت است از: آزاداندیشی برای تغییر (خود- رهبری و تحریک‌کننده)، محافظ‌کاری (سنتی، هم‌نوایی و امنیتی) و خود- تقویتی (قدرت، دستاوردها)، ارتقای خود ارزش‌های جهان‌گرایی، خیرخواهانه. اولین بعد آزاداندیشی در ۹۴ مورد از ۹۶ مورد نمونه نشان داده شده است. بعد دوم در ۹۴ نمونه از ۹۷ تا مشاهده شده است. نظام ارزش‌های جهان‌گرایی (۰/۴۰)، خود-رهبری (۰/۳۲)، تحریک‌کننده (۰/۱۲)، لذت‌گرایی (۰/۱۰)، دستاوردها (۰/۱۲)، قدرت (۰/۰۵)، امنیتی (۰/۳۱)-، سنتی (۰/۴۱)-، هم‌نوایی (۰/۱۹)- و خیرخواهی (۰/۱۳) است» (Schwartz, 1997).

شوارتز و گالیت در تحقیقی بروی معلمان از ۴۲ ملیت ($N=7856$) به بررسی تاثیر توسعه اقتصادی - اجتماعی و دمکراتیک شدن سیاسی بر اولویت و وفاق ارزشی در یک جامعه می‌پردازند. یافته‌ها نشان می‌دهد که توسعه اقتصادی - اجتماعی و دمکراتیک شدن سیاسی به طور مثبتی با ارزش‌های ارتقای خود و آزاداندیشی رابطه‌ی معنی‌داری دارد. و با خود- تقویتی (قدرت، دستاوردها) و محافظه‌کاری رابطه‌ی منفی دارد. توسعه و دمکراتیک شدن بر وفاق ارزشی تاثیر متضاد دارد، توسعه سبب افزایش وفاق می‌شود، درحالی‌که دمکراتیک شدن سبب کاهش آن می‌شود (Schwartz, 2000).

«کیم، لی و دیگران در تحقیقی با عنوان «ابعاد چندگانه‌ی ارزش‌های آمریکای آسیایی: توسعه، اعتبار و پایایی» به بررسی ابعاد ارزشی افراد آمریکایی آسیایی پرداخته‌اند. در این بررسی ابعاد چندگانه مقیاس ارزش‌های آمریکا و آسیایی را به ۴۲ گویه گسترش داده‌اند. در این مطالعه ۱۶۳ آمریکایی آسیایی به پرسشنامه‌ها پاسخ داده‌اند، با یک تحلیل اصولی مؤلفه‌ها که مجموعه ۱۸۰ گویه به ۴۲ گویه کاهش یافته و سپس به ۴۲ گویه در ۵ بخش تقسیم شده است. این ۵ جزء شامل: ارزش‌های جمع‌گرایی، هم‌نوایی با هنجارها، احساس کنترل- خود، شناخت خانواده از طریق دستاوردهای آن و تواضع (فروتنی). در مطالعه دوم با داده‌ها از ۱۸۹ پاسخگوی آمریکایی آسیایی جمع‌آوری شده و در مطالعه سوم ۳۸ پاسخگوی آمریکایی آسیایی به پرسشنامه‌ها پاسخ داده‌اند که

نتايج نشان مي دهد که مقياس ارزش هاي آسيای آمريکايي بطور کلي و خرده مقياس هاي آن با استفاد از اين آزمون مجدد [۱۰] داراي پايائي است» (Kim, 2005).

«مريت [۱۱] در تحقيقي با عنوان «فرهنگ در کابين خلبان» به بررسي ارزش هاي خلبانان پرداخته است. به اعتقاد پژوهشگر، خلبانان در کابين علاوه بر مديريت بر جنبه هاي تکنیکی به یک مديريت کنش متقابل گروه پروايشان ارتباط زمين و هوا به شيوه اي که بتواند امنيت را تضمين کند و عملکرد کارآمدی داشته باشد. در اين تحقيق، هدف درک تفاوت هاي بين فرهنگي در ارزش ها و نگرش هاي خلبانان است، براي ارزيابي ارزش ها از تئوري ابعادي هافستد استفاده شده است ارزش هاي مدنظر محقق عبارتند از: جمع گرايي-فردگرايي، فاصله قدرت، زنانگي- مردانگي و اجتناب از ابهام است. داده ها از ۹۴۰۰ خلبانان مرد در ۱۹ کشور جمع آوري شده اند. در تحليل خوشه اي پنج کشور انگليسي با هم یک خوشه هستند و سپس با سه کشور اروپاي غربي و افريقاي جنوبي پيوند مي خورند، در حالي که فيليپين و ژاپن آخرين کشورهاي خوشه هستند. ژاپن با نمره بالاي اجتناب از ابهام از همه ديگر کشورها متمايز است. فيليپين با امتياز بالا در فاصله قدرت از ديگر کشورها متمايز است. کره، تايوان و مراکش به عنوان یک گروه با فردگرايي و مردانگي پايين متمايز هستند. ارزش فاصله قدرت در برزيل، مکزيک و مالزي دومين جايگاه را دارد. کشورهای انگليسي و اروپاي غربي به ميزان قابل توجهي بالاترين ميزان ارزش هاي فردگرايي و پايين ترين ميزان ارزش هاي فاصله قدرت و اجتناب از ابهام را دارا هستند» (Merritt, 2000).

فرضيه تحقيق

- با افزايش تحصيلات زنان، جهت گيري آنان ها به سمت ارزش جهاني گرايي بيشتري مي شود.
- با افزايش تحصيلات زنان، جهت گيري آنان ها به سمت ارزش عام گرايي بيشتري مي شود.
- با افزايش تحصيلات زنان، جهت گيري آنان ها به سمت عقلانيت گرايي بيشتري مي شود.
- با افزايش تحصيلات زنان، جهت گيري آنان ها به سمت ارزش علم گرايي بيشتري مي شود.

تعريف مفهومي و عملياتي جهت گيري ارزشي توسعه مدار

براساس ديدگاه هاي توسعه جوامع توسعه يافته در برابر جوامع توسعه نيافته در ابعاد زير از نقطه نظر ارزشي متفاوت است: ارزش علم گرايي، کار، اعتماد، تفکر دمکراتيک، رضائيت از زندگي،

عام‌گرایی، عقلانیت، جهان‌گرایی، میزان مشارکت اجتماعی (سیف‌اللهی، ۱۳۸۱؛ مور، ۱۳۶۹؛ اینگلهارت، ۱۳۷۳) برای هر کدام از شاخص، معرف‌هایی برای سنجش وجود دارند جهت گیری عقلانی از طریق گویه‌های مرتبط با میزان آینده‌نگری (توجه به آینده)، نوع نگرش به کار، نگرش به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، میزان خطرپذیری، میزان عاطفی بودن کنش‌ها، شاخص‌های عام‌گرایی به وسیله گویه‌های مرتبط با نگرش نسبت به شایسته‌سالاری، ضابطه‌مندی، دیگرخواهی، اکتساب‌گرایی و اعتماد‌گرایی، جهت‌گیری دمکراتیک از طریق گویه‌های مرتبط با نگرش نسبت به قدرت‌های مهم در سطح کلان و میانی، آزادی بیان و برابری در نقش جنسیتی، جهت‌گیری علم‌گرایی از طریق گویه‌های مرتبط با نگرش نسبت به علم‌سنجیده می‌شوند.

برای تدوین گویه‌های سنجش متغیر وابسته با توجه به مبانی نظری از تقسیم‌بندی‌های مفهومی افراد مانند هریسون، اینگلهارت و شوارتز استفاده کرده‌ایم. برای سنجش این ابعاد ابتدا ۱۶۱ سؤال طراحی شده و سپس با بررسی روایی صوری آن توسط صاحب‌نظران برخی سؤالات حذف شد پس از آن سؤالات برای نمره‌گذاری به چند داور داده شده است و سؤالاتی را که از امتیاز کمتری برخوردار بوده‌اند حذف کرده‌ایم سپس با یک مطالعه مقدماتی به روی صد نفر و انجام تحلیل عاملی ۹۰ سؤال باقی مانده است. که از این ۹۰ سؤال ۱۴ مقیاس بدست آمده که برای کاهش متغیرها با تحلیل عاملی مجدد ۱۴ مقیاس بروی ۳ عامل قرار گرفته که اولین عامل شامل ۴ عامل بوده که تحت عنوان ارزش‌های توسعه‌مدار نام‌گذاری شده است این ارزش‌ها عبارتند از: جهانی‌گرایی، عام‌گرایی، علم‌گرایی و عقلانیت.

روش پژوهش

در این تحقیق از روش کمی استفاده می‌گردد. پژوهش‌های کمی دارای انواع مختلفی است که یکی از انواع پرکاربرد و مهم آن پیمایش (دواس، ۱۳۸۳). پیمایش اجتماعی از شیوه‌های مختلفی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده می‌کنند. پرسشنامه یکی از ابزارهای مهم متداول برای جمع‌آوری اطلاعات پیمایشی است بنابراین ابزار اصلی برای گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پرسشنامه است. البته قبل از تنظیم پرسشنامه برای رسیدن به ابعاد و شاخصهای دقیق‌تری از ارزش‌های توسعه‌مدار با ۱۵ نفر از زنان مصاحبه عمیق به عمل آمده است.

واحد نمونه گیری و حجم نمونه

با توجه به پراکنندگی جمعیت مورد مطالعه (زنان بین ۱۵ تا ۴۵ ساله) در سطح شهر واحد نمونه گیری خانواده است

حجم نمونه

پایه اطلاعات جمعیتی برای تعیین نمونه ی آماری نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۶ است و با استفاده از فرمول ۱-۳ حجم نمونه را برآورد کرده ایم. بر همین اساس حجم نمونه ۵۳۴ نفر است.

$$n = \frac{Nt^2 p(1-p)}{Nd^2 + t^2 p(1-p)}$$

۱-۳- فرمول حجم نمونه (سرایي، ۱۳۷۲، ص ۱۳۹)

شیوه نمونه گیری

شیوه نمونه گیری خوشه ای دومرحله ای باطبقه بندی است بدین معنا که از بین مناطق سرشماری شهر شیراز تعدادی منطقه به گونه ی تصادفی برگزیده و سپس در درون هر منطقه به نسبت وجود خانواده ها، بلوکهای کوچکتر به عنوان یک خوشه در نظر گرفته می شود و خانواده های درون هر خوشه را مورد بررسی قرار گرفته است

یافته های تحقیق

تحصيلات و ارزش های توسعه مدار: یکی از ابزارهای مناسب برای ایجاد انگیزه در یک جامعه سنتی و حرکت به سوی مدرن شدن، آموزش و کسب علم است. تحصيلات با تجهیز کردن انسان ها به ادراکی منطقی می تواند انگیزه و اهداف مورد نیاز توسعه را ایجاد کند. اینکلس، اسمیت، پل هریسون و دیوید نیز آموزش را کلید اصلی توسعه در ابعاد مختلف می داند. اینکلس و اسمیت در خصوص بروز ویژگی انسان مدرن بر عامل آموزش و پرورش تأکید می کنند. امروزه یکی از مهم ترین شاخص های توسعه انسانی میزان دانش آموختگان یک کشور است، هم چنین در عرصه های بین المللی بعضاً قدرت از طریق عرصه های علمی اعمال می شود. در این بخش برای به دست آوردن نتایج دقیق تر سؤال تعداد سال های تحصيل در دو گروه کدگذاری مجدد کرده ایم تا قبل از پیش دانشگاهی (۱۱ سال تحصيل) را طبقه اول و بالاتر (۱۲ سال به بالا) را

نیز یک طبقه در نظر گرفته‌ایم. بنابراین فرضیه اساسی عبارت است از: تحصیلات بالا گرایش به ارزش‌های توسعه‌مدار را افزایش می‌دهد با توجه به اینکه ۶ ارزش توسعه‌مدار داریم ۶ فرضیه شکل گرفته که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

تحصیلات و ارزش جهانی‌گرایی: جهانی‌گرایی به عنوان یک ارزش توسعه‌مدار مد نظر است که به همدلی و حفاظت برای همه انسان‌ها معطوف است با توجه به مبانی نظری و ادبیات تحقیق تحصیلات از عامل تأثیرگذار در جهت‌گیری ارزشی است بنابراین فرضیه به این گونه تدوین می‌شود که اگر تحصیلات افزایش یابد پس گرایش جهانی‌گرایی نیز بالا می‌رود. بر اساس جدول شماره (۱) میانگین جهانی‌گرایی با افزایش تحصیلات افزایش یافته است. بیشترین میانگین جهانی‌گرایی مربوط به کسانی است که تحصیلات بالاتر از پیش دانشگاهی دارند. بعبارتی تحصیلات توانست بعد تعالی بخش و توجه به ماورای خود را نمایان سازد. بنابراین افراد با تحصیلات کمتر شناخت و ادراک کمتری نسبت به جهان، صلح جهانی و حفاظت از طبیعت داشته باشند.

بنابراین تحصیلات توانست تجهیز شناختی لازم را در زمینه خلق ارزش جهانی‌گرایی ایجاد کند به طوری که میانگین جهانی‌گرایی افراد با تحصیلات عالی بیش از دیگر گروه بوده است.

جدول شماره (۱) تحصیلات و ارزش جهانی‌گرایی: مقایسه تحصیلات پاسخگو بر حسب ارزش جهانی‌گرایی

گروه‌های تحصیلی	فراوانی	میانگین جهانی‌گرایی	انحراف معیار	اشتباه استاندارد
۱۱-۰ سال	۱۶۷	۴۰/۲۰۶	۱۴/۲۶	۱/۰۸۸
بالا-۱۲ سال	۳۴۰	۴۲/۵۹	۱۲/۳۸	۰/۶۲۷
کل ۵۰۳	۵۰۳	۴۱/۸۲	۱۲/۹۶	۰/۵۷۸
منبع	SS	df	ms	F
بین گروهی	۶۰۴/۹۷۱	۱	۶۰۴/۹۷۱	۳/۶۱۸
درون گروهی	۸۳۷۱/۶۲۳	۵۰۱	۱۶۷/۲۰۹	
کل	۸۹۷۶/۵۹۴	۵۰۲		
Sig.				
بین گروهی				۰/۰۵

تحصیلات و ارزش عام‌گرایی: عام‌گرایی به عنوان یک ارزش توسعه‌مدار به نحوه‌ی سوگیری کنش‌گر نسبت به هنجارهای عام در موقعیت‌های مختلف می‌پردازد. تحصیلات نیز به عنوان یک متغیر مستقل تأثیرگذار بر باورهای انسان مدرن و توسعه‌مدار در نظریه بسیج اجتماعی مطرح است بنابراین فرضیه به این صورت مطرح می‌گردد که اگر تحصیلات افزایش یابد پس گرایش به

۲۱ بررسی تاثیر تحصيلات زنان بر جهت گيري ارزشي آنان نسبت به توسعه.....

عام گرايي نيز افزايش مي يابد. بر اساس جدول شماره (۲) کمترین میانگین عام گرايي مربوط به گروه تحصيلي ۱۱-۰ سال است و کسانی که تحصيلات بالای ۱۲ سال داشته اند، عام گراتر بوده اند. اما اين تفاوت معنی دار نبوده است.

جدول شماره (۲) تحصيلات و ارزش عام گرايي: مقایسه ای تحصيلات پاسخگو بر حسب ارزش عام گرايي

گروه های تحصيلي	فراواني	میانگین عام گرايي	انحراف معيار	اشتباه استاندارد
۱۱-۰ سال	۱۶۷	۱۷	۷/۷۶	/۶۰۰
بالا-۱۲ سال	۳۳۶	۱۸/۵	۷/۲۳	/۳۶۴
کل	۵۰۳	۱۸/۲۱	۷/۴۱	/۳۳۰
منبع	SS	df	ms	F
بین گروهی	۸۳/۵۲۰	۱	۸۳/۵۲۰	۱/۵۲۰
درون گروهی	۲۷۵۳۶/۷۱۹	۵۰۱	۵۴/۹۶۴	
کل	۲۷۶۲۰/۲۳۹	۵۰۲		
Sig.				

تحصيلات و ارزش عقلائي: عقلائي به عنوان يك ارزش توسعه مدار به نظم و قابل محاسبه بودن طبيعت باز می گردد. و تحصيلات نيز به عنوان متغير مؤثر بر گرايش ها و باورهای مدرن مطرح است بنابراین فرضيه مورد نظر چنين می گردد که اگر تحصيلات بالا رود پس گرايش به عقلائي نيز افزايش می يابد. بر اساس جدول شماره (۳) بالاترین میانگین عقلائي مربوط به گروه تحصيلي بالای ۱۲ سال است. البته نکته قابل توجه اين است که زنان با تحصيلات بالا، میانگین عقلائي به مراتب بيش از میانگین کل جامعه دارند. در واقع در اینجا نمی توان گفت تحصيلات تأثیر چندانی نداشت اما اين تفاوت از نظر آماری معنی دار نبوده است. با توجه به اهمیت عقلائي در امر توسعه و نقش مهم زنان در عرصه های گوناگون پايين بودن میانگین عقلائي در زنان با تحصيلات زیر پيش دانشگاهی می تواند اهمیت تحصيل در خلق ارزش های توسعه مدار نزد زنان را نشان می دهد. به عبارتی زنان تحصيل کرده در زندگی از نظم، دوراندیشی و حسابگری بیشتری برخوردار بوده. برای روزها و هفته های خود برنامه ریزی بیشتری دارند و ارزش زمان را بيش از ديگر زنان می دانند.

جدول شماره (۳) تحصيلات ارزش عقلائي: تحصيلات پاسخگو بر حسب عقلائي

تحصيلات پاسخگو	فراواني	میانگین عقلائي	انحراف معيار	اشتباه استاندارد
۱۱-۰ سال	۱۶۷	۳۱/۶۸	۱۱/۵۶	/۶۰۰
بالا-۱۲ سال	۳۳۶	۳۳/۰۵	۹/۳۰	/۳۶۴
کل	۵۰۳	۳۲/۶۴	۱۰/۱۳	/۳۳۰

منبع	SS	df	ms	F	Sig.
بین گروهی	۸۳/۵۲۰	۱	۲۶۵/۹۲۱	۲/۵۹۵	/۱۰۸
درون گروهی	۲۷۵۳۶/۷۱۹	۵۰۱	۱۰۲/۴۷۳		
کل	۲۷۶۲۰/۲۳۹	۵۰۲			

تحصیلات و ارزش علم‌گرایی: گرایش به علم و تکنولوژی یکی از مشخص‌های اصلی انسان مدرن در نظریه بسیج اجتماعی است از طرفی تحصیلات و آموزش نیز یکی از عناصر ایجادکننده این تغییر است بنابراین فرضیه مورد نظر چنین است که اگر تحصیلات افزایش یابد پس ارزش علم‌گرایی افزایش می‌یابد. بر اساس جدول شماره (۴) بیشترین میانگین علم‌گرایی برای گروه تحصیلی بالای ۱۲ سال است و این تفاوت‌ها معنی‌دار بوده است. به عبارتی تحصیلات، میانگین گرایش به علم را افزایش می‌دهد و زنانی که تحصیلات آن‌ها بیش از پیش‌دانشگاهی بوده نسبت به دیگران زنان گرایش بیشتری به علم داشته، به عبارتی تحصیلات، انگیزه لازم برای پیشرفت‌های علمی را ایجاد می‌کند و پتانسیل خوبی برای خلق ارزش‌های توسعه‌مدار است. به علاوه با توجه به گویه‌های این مقیاس زنان تحصیل‌کرده در جهت دادن نسل‌های بعدی به سمت علم‌گرایی نیز نقش مؤثرتری می‌توانند ایفا کنند.

جدول شماره (۴) تحصیلات و ارزش علم‌گرایی: مقایسه تحصیلات پاسخگو بر حسب ارزش‌های علم‌گرایی

تحصیلات پاسخگو	فراوانی	میانگین علم‌گرایی	انحراف معیار	اشتباه استاندارد
۱۱-۰ سال	۱۶۷	۲۳/۴۳	۷/۸۲	/۶۰۵
بالا-۱۲ سال	۳۳۶	۲۴/۹۲	۶/۸۹	/۳۷۹
کل ۵۰۳	۵۰۳	۲۴/۴۲	۷/۲۴	/۳۲۲

منبع	SS	df	ms	F	Sig.
بین گروهی	۲۴۹/۱۴۷	۱	۲۴۹/۱۴۷	۴/۷۸۴	/۰۲۹
درون گروهی	۲۶۰۹۰/۰۹۸	۵۰۱	۵۲۰/۷۶		
کل	۲۶۳۳۹/۲۴۵	۵۰۲			

بحث و نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی بر اساس نظریه‌های صاحب‌نظران و تحقیقات، نیروی انسانی متخصص و تحصیل‌کرده نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه یک جامعه دارد، زیرا رشد نهادهای آموزشی و علمی از یک سو زمینه‌ساز مشارکت بیشتر مردم در تحولات اجتماعی و اقتصادی است و از سوی دیگر در مردم نوعی قابلیت و تحرک ذهنی ایجاد می‌کند که به نوبه خود سبب می‌شود که افراد،

باورها و ارزش های مناسب توسعه را پذيرفته و درونی سازند. صاحب نظران نوسازی نیز به آموزش به عنوان يك عامل اساسی درخیزش جامعه به سمت توسعه و خلق ارزش های مدرن و توسعه یافته توجه می کنند، به عنوان مثال مک - کله لند معتقد است که اشاعه شیوه های آموزش و پرورش غرب ابزار مناسبی برای تزریق انگیزه پیشرفت به کشورهای جهان سوم است. از نظر اینکلس تحصيلات مهمترین علامت ارزش های نوین است. به طوری که اضافه شدن هر يك سال بر تحصيلات موجب افزایش ۲ تا ۳ درجه ای ارزش های مدرن در سطح مقياس از ۰ تا ۱۰۰ می گردد. هانتینگتون، پل هریسون و بن دیوید نیز آموزش را کلید اصلی توسعه در ابعاد مختلف می دانند. آن چنان که گفته شد، آموزش نه تنها ارتباط مستقیمی با کارایی و رشد اقتصادی دارد، بلکه بر سایر ابعاد توسعه نیز تأثیر می گذارد؛ زیرا ارتباط متقابلی بین سطح فرهنگ و توسعه وجود دارد. به علاوه امروزه یکی از مهم ترین شاخص های توسعه انسانی میزان دانش آموختگان يك کشور است، هم چنین در عرصه های بین المللی بعضاً قدرت از طریق عرصه های علمی اعمال می شود. در همین راستا یافته های تحقیق حاضر نیز نشان داده است که تحصيلات در برخی ابعاد ارزش های توسعه مدار تأثیر داشته است. ما برای بررسی تحصيلات، آن را در دو مقوله قبل از پیش دانشگاهی و پس از آن که پاسخگویان در معرض تحصيلات دانشگاهی قرار گرفته اند تقسیم کرده ایم بر اساس نتایج تحصيلات بر ارزش های جهانی گرایی تأثیر گذاشته به طوری که میانگین جهانی گرایی برای کسانی که تحت تعلیمات دانشگاهی قرار گرفته اند بیشتر بوده به عبارتی در نتیجه ی آن شخص به ادراک توازن پیچیده تر و در عین حال منطقی تر از دنیا توفیق می یابد و تحصيلات توانسته دیدگاهی وسیع تر از دنیای پیرامون را برای افراد بسازد، به طوری که مسأله جهانی از قبیل محیط زیست جهان، صلح جهان و مسایل جهان برای افراد تحصیل کرده از اهمیت برخوردار می شود. از دیگر ارزش های متفاوت بین دو گروه تحصيلی، علم گرایی است، گروهی که تحصيلات شان بیش از پیش دانشگاهی است میانگین علم گرایی بالاتری داشته اند. به عبارتی برای کسب دانش حاضر هستند از آسایش و امکانات خود بگذرند و حتی هزینه های نیز متقبل شوند. میانگین عقلانیت، عام گرایی، در این دو گروه به طور محسوس متفاوت است، اما این ارتباط معنی دار نبوده به عبارتی تحصيلات دانشگاهی منجر به تماس ژرفتر با عقلانیت ادراکی شده و نظم در زندگی را فراهم کرده است؛ به طوری که میانگین عقلانیت در گروه با تحصيلات بالا

بیش از دیگران است. اما این تفاوت از نظر آماری معنا دار نبود. همچنین زنانی که در معرض تحصیلات دانشگاهی قرار داشته‌اند، در واقع تعهد عام و کنش بر اساس ضوابط عام در دو گروه تحصیلی تفاوت معنی‌داری نداشته‌اند که این مسأله می‌تواند ناشی از شرایط و ساختارهای جامعه مورد مطالعه باشد که حتی افراد با تحصیلات عالی نیز خاص‌گرا هستند و تعهدات عام آن‌ها با افراد تحصیلات پایین تفاوت معنی‌داری نداشته‌اند. بعبارتی در زمینه عام‌گرایی موانع عمده‌ی موجود است که حتی با افزایش تحصیلات زنان نیز کنش‌گران بر اساس ضوابط عام عمل نکرده‌اند و تعهدات عام آن‌ها تفاوت معنی‌داری با دیگر زنان نداشته‌اند. لرنر در بلغات، اینکلس و اسمیت با تحقیق بر روی شش کشور در حال توسعه نشان دادند که تحصیلات و آموزش همگانی از جمله متغیرهای مهم برای درهم شکستن وریشه کن کردن باورها و ارزش‌های مخالف توسعه است (Inkeless, 1969; Smith, 1974; Lerner, 1964).

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|--------------------------|-----------------------|
| 1- Mc loughlin | 7- Trandis |
| 2- Scholl & Schoaf | 8- Banfield |
| 3- Divesta & Wooduff | 9- Schwartz, Sh. |
| 4- mechanical solidarity | 10- test-retest |
| 5- Max Weber | 11- Merritt, Ashleigh |
| 6- pattern variables | |

منابع

- آبرهامیان، پرواند (۱۳۷۷). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی، آزاد ارملی، تقی؛ و غیاثوند، احمد (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی و تغییرات فرهنگی در ایران*. تهران: نشر آن، اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته ی صنعتی*. ترجمه مریم وتر. تهران: انتشارات کویر، توحید فام، محمد (۱۳۸۲). *مجموعه مقالات فرهنگ عصر جهانی شدن چالشها و فرصتها*. تهران: روزنه، توسلی، غلامعباس (۱۳۷۳). "جامعیت مفهوم توسعه و رایانه آن با فرهنگ". *فرهنگ توسعه*. شماره ۱۵ سال ۳. دواس، دی. ای. (۱۳۸۳). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*. ترجمه هوشنگ ناییبی. تهران: نشر نی، ریتزر، جرج (۱۳۷۷). *نظریه جامعه‌شناسی معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی، سرایی، حسن (۱۳۷۲). *نمونه‌گیری*. تهران: سمت، سو، الوین (۱۳۸۰). *تغییرات اجتماعی و توسعه*. ترجمه محمود حبیبی مظاهری. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، سهامی، سوسن (۱۳۸۱). "بررسی ارزش‌های فرهنگی جوانان در مقایسه با بزرگسالان در شیراز". *فصلنامه پژوهشی فرهنگی فرهنگ فارس*. دوره جدید شماره ۵-۴، ص ۴۹-۲۳.

۲۵..... بررسی تاثیر تحصیلات زنان بر جهت گیری ارزشی آنان نسبت به توسعه.

- سیف الهی، سیف الله (۱۳۸۱). *جامعه شناسی مسایل اجتماعی ایران*. تهران: موسسه انتشارات جامعه پژوهان سینا، سیف زاده، سید حسین (۱۳۷۵). *نظریه مختلف درباره ی راههای گوناگون نوسازی و دگرگونی سیاسی*. چاپ سوم، تهران: نشر قومس،
- کاتوزیان، محمد علی همایون (۱۳۸۰). *تضاد بین دولت و ملت نظریه تاریخ و سیاست در ایران*. ترجمه علیرضا طیب. تهران: نشر نی،
- کدی، نیکی آر (۱۳۸۳). *نتایج انقلاب ایران*. ترجمه مهدی حقیقت خواه. تهران: ققنوس،
- گن، ایرنه؛ ذیر، له من (۱۳۸۳). *کارگردانی دگرگونی سیاسی*. ترجمه احمد ترین. تهران: نشر سفید،
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). *پیامدمدرنیت*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز،
- لهستانی زاده، عبدالعلی (۱۳۸۰). *جامعه شناسی توسعه*. جزوه پیام نور.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹). *بررسی آگاهی، نگرش ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران*. [تهران]: دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور،
- مور، برینگتون (۱۳۶۹). *ریشه های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی*. ترجمه حسین بشیریه. تهران: نشر دانشگاهی،
- نیکخواه، نرگس (۱۳۸۴). *تحول نگرش نسبت به زنان*. تهران: چاپ و نشر عروج،
- ویر، ماکس (۱۳۸۱). *مفاهیم اساسی جامعه شناسی*. ترجمه احمد صدارتی. تهران: نشر مرکز،
- ویستر، آندرو (۱۳۸۱). *درآمدی بر جامعه شناسی توسعه*. ترجمه امیر حسین اصغری. تهران: کوهسار،
- ورسلی، پیترو (۱۳۷۳). *جامعه شناسی مدرن*. ترجمه حسن پویان. تهران: چاپ پخش،
- وینر، مایرون (۱۳۵۴). *نوسازی جامعه*. ترجمه مقدم مراغه ی. تهران: فرانکلین،
- هریسون، پل (۱۳۶۴). *درون جهان سوم*. ترجمه شاداب وجدی. تهران: فاطمی،
- Dahlke, H. Otto (1985). *Value in culture and classroom; A Study in the Sociology of the School*. New York: Harper,
- Hofsted, G. H. (1997). *Culture and organization*. USA: Mc Graw,
- Kim, S. K. and Bryan, Li. C Kisa and Gladys F. Ng (2005). "The Asian American Values Scale-Multidimensional: Development, Reliability and Validity". *Cultural Diversity and Ethnic minority psychology*, Volume. 11, Issue. 3, Pp. 187-201.
- Inglehart, Ronald and Baker, Wayne E. (2000). "Modernisation, Culture Change, and the Persistence OF Traditional Values". *American sociological Review*, Vol. 65, February, Pp19-47.
- Inkless, Alex (1969). "Making Men Modern: On the Causes and Consequence of Individual Change in six Developing Countries". *American Journal of Sociology*, 75, Pp. 208-225.
- Lerner, Denial (1964). *The Passing of Traditional Society*. Free press: New York,
- Merritt, Ashleigh (2000). "Culture in the cockpit Do Hofsted's Dimensions Replicate?". *Journal of cross- cultural psychology*. Vol. 31, Pp. 238- 301.
- Savage, Mike and Tony, Bennett (2002). "Editor's introduction: cultural capital and social inequality". *The British Journal of sociology*, Volume. 50, Issue. 1.

- Schwartz, Vera (1997). "Culture Identity in Twentieth Country China". **Sociological Abstract.**
- Schwartz, H.SHalom (2000)."Value Consensus and Importance across-National Study". **Journal of Cross-Culture Psychology.** Vol. 31, No. 4, July, Pp. 465-497.
- Schwartz و Shalom H. (2006). **Basic Human Values: Theory, Measurement, and Applications.** The Hebrew University of Jerusalem,
- Smith, D. E. ed. (1965). **Religion and Political Modernization.** New Haven: Yale University Press,
- Spears, R. ; Oak, P. J. ; Ellemers, N ; and Alex, Onder, S. (1997). **The Social Psychology of Stereotyping and Grouplife.** UK: Blackwell.
- Trandis, H ; Xiao, P. C ; and Darius, K. S. (1998). "Scenarios for the Measurement of Collectivism and Individualism". **Journal of cross cultural psychology.** Vol. 29, No. 2, March, Pp. 275-289.
- Vanpeth, Jan and Scar brough, ELiner (1995).**Impact of Value.** New York: Oxford Press,